

عوامل تعیین کننده اقتصادی و سیاسی وام دهی صندوق بین المللی پول در ایران

میثم نورایی^۱، پرویز سعیدی^۲

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، meisamnouraei@gmail.com

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول Dr.parvizsaedi@yahoo.com

چکیده

صندوق بین المللی پول به عنوان یکی از شناخته شده ترین موسسات وابسته به سازمان ملل متحد، مسئولیت تنظیم نظام پولی و مالی جهانی را برعهده دارد. اگرچه غالب اخبار انتشار یافته از فعالیت های این موسسه ناظر بر ارایه کمک های مالی به کشورهای مواجه با بحران مشروط به انجام برنامه اصلاحات اقتصادی است، لیکن این موسسه مشاوره های فنی و راهبردی نیز به اعضای خود ارایه می دهد که حداقل به لحاظ پوشش و گستردگی، به مراتب مهم تر از ایفای نقش تامین مالی کننده است. در این مقاله سعی شده پس از ارایه چارچوب وظایف و ساختار مدیریتی صندوق، چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آن به طور اجمالی مورد اشاره قرار گیرد. فرضیه اصلی آن است که حضور فعال و پویا در سازمان های معتبر بین المللی پیش شرط تاثیرگذاری بر روند شکل گیری روابط اقتصاد جهانی و تحولات آتی آن است. حال که اقتصاد ایران یک کرسی از ۲۴ کرسی هیات اجرایی صندوق را در اختیار دارد، باید این فرصت را ارج گذارد و در جهت تقویت نقش آفرینی در تحولات نظام مالی بین المللی حرکت نمود. علی الخصوص آن که حداقل در سه دهه اخیر ایران هیچگاه متقاضی استفاده از تسهیلات مالی صندوق بین المللی پول نبوده و لذا هرگز در معرض شروط خاص یا رفتارهای سیاستی دیکته شده قرار نگرفته است. توصیه های صندوق به ایران نیز ناظر بر برخی جهت گیری های اصلاح ساختاری است که نوعاً طالبی عام و مورد اجماع نسبی در داخل است. بنابراین می توان همکاری ایران با صندوق بین المللی پول را الگویی موفق از حضور موثر در عرصه موسسات بین المللی دانست.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، نظام پولی و مالی بین المللی، صندوق بین المللی پول، هیات اجرایی صندوق

مقدمه

یکی از وظایف مهم مدیران در سازمان‌ها، شناسایی استعدادهای بالقوه کارکنان و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان است که زمینه ارتقای بهره‌وری را فراهم می‌کند. امروزه نمی‌توان بدون توجه به میزان بهره‌وری در تولید و بدون آگاهی از عوامل موثر بر افزایش آن، به سوی توسعه پایدار گام برداشت. از آنجا که انسان در توسعه نقش کلیدی دارد و تحقق توسعه به دست انسان صورت می‌پذیرد، برطرف کردن نیازهای روحی و روانی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین یکی از وظایف مهم مدیر، انگیزش افراد است، انسان‌هایی با نیازهای متعدد برای نیل به هدف‌های سازمانی. در یک طبقه‌بندی کلی انگیزه‌ها در سه گروه (فیزیکی، اجتماعی و روانی) قرار می‌گیرد. به بخشی از نیازهای انسان در محیط کار مانند تسهیلات رفاهی محیط کار (محل مناسب کار، هوا، نور و...) انگیزه‌های فیزیکی اطلاق می‌شود. به دسته‌ای از نیازهای افراد که به رفتار دیگران به ویژه مدیریت سازمان ارتباط پیدا می‌کند و بیشتر نیازهای اجتماعی را برطرف می‌سازد، انگیزه‌های اجتماعی می‌گویند و آن گروه از نیازهایی که رضایت روحی افراد را در پی دارد، جزء انگیزه‌های روانی محسوب می‌شود. انگیزش افراد وابسته به شدت انگیزاننده است. انگیزاننده‌ها به عنوان نیاز و خواستی در درون؛ تعریف شده‌اند که گرایش به هدف دارند و ممکن است خودآگاه یا ناخودآگاه باشد. به عبارت دیگر انگیزاننده‌ها چرایی رفتار هستند و رفتارها نیز هدف‌گرا هستند.

برای درک رفتار سازمانی باید انگیزه‌های اساسی فرد در سازمان شناسایی و مطالعه شود زیرا این‌ها به عنوان زمینه و اساس گرایش انگیزش کاری می‌باشند. از دیدگاه اجتماعی، شخصیت محصول ترکیب انگیزه و انگیزش است. انگیزه شامل محرک‌های ارگانیک و کالبدی است که به شکل غریزی انسان را به سمت اطفاء خود هدایت می‌نماید. در مقابل انگیزش، متضمن ارزشها و هنجارها و معیارهای حاکم بر تبلور بیرونی این رفتارهاست که می‌کوشد انگیزه را در قالب معیارهای فرهنگی جامعه کانالیزه کند. از این رو شخصیت متعادل، آن شخصیتی است که توازنی ظریف میان انگیزه و انگیزش در وجود خویش برقرار کند و بتواند با این توازن به شکلی به تعادل جامعه نیز یاری رساند. با توجه به دیدگاه اسلامی، رفتار آدمی هر لحظه تحت تأثیر نیروهای مثبت و منفی است و به هر میزان که ارزش‌های انسانی در او تقویت شده باشد و ویژگی‌های انسان رشد یافته و کامل اسلامی، بر او حاکم باشد و در جهت قرب الهی گام بردارد، به همان میزان نیز انگیزه‌ها و جاذبه‌های معنوی در او کارساز خواهد بود و به عکس؛ به هر اندازه که نیروها و ارزش‌های منفی بر وجود او حاکم باشد، رفتار او توسط انگیزه‌های پست شکل می‌گیرد. انسانها به صورت اجتماع زندگی می‌کنند، هر اجتماع یا گروه احتیاج مبرم به یک رهبر یا مدیر برای هدایت و نظام مندی خود دارد. مدیریت در جوامع بشری اجتناب‌ناپذیر است جامعه‌ی بشری برای رسیدن به هدف، به مدیرانی احتیاج دارد که هم هدف را خوب بشناسند و هم ابزار رسیدن به هدف را. همانطور که استاد مطهری می‌فرماید: «مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا، قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد، مبنای مدیریت و حکومت اسلامی حکومت برای رسیدن به حق است. مدیریت در جوامع بشری آنقدر مهم است که خداوند رسولانی را برای سرپرستی و هدایت بشر می‌فرستد و هرگز انسانها را بدون مدیر و راهنما و رهبر نمی‌گذارد. از این رو پژوهش حاضر در صدد یافتن پاسخی برای تأثیر مدیریت اسلامی بر انگیزش کارکنان آموزش و پرورش شهرستان ایلام می‌باشد.

ادبیات پژوهش

ضرورت حضور ایران در سازمان آنکتاد

مقوله هم‌پیوندی^۱ با اقتصاد جهانی^۲ و حضور موثر و فعال در سازمان‌ها و موسسات بین‌المللی در شرایط کنونی نظام اقتصاد بین‌الملل نه یک گزینه در میان چندین بدیل، که به نوعی انتخاب‌گریزناپذیر و محتوم است. فارغ از دیدگاه‌های هنجاری^۳، آنچه که پیرامون اقتصاد ایران جریان دارد همگرایی سریع اقتصادهای منطقه‌ای حول محور اقتصاد جهانی و ایجاد حلقه‌های ارتباطی جدید و موثر به منظور بهره‌مندی از فرصت‌های نوین و نقش‌آفرینی قوی در میان تصمیم‌سازان کلیدی است (Bordo, 2000). درحقیقت فعالیت در عرصه پر رقابت جهانی یکی از مهم‌ترین رخدادهای و چالش‌های روز سیاستمداران و

¹ integration

² global economy

³ normative

سیاست گذاران کشورها بوده و بستر شکل دهنده بسیاری از تغییر و تحولات تلقی می شود. خارج از دیدگاه های افراطی مثبت و منفی، حضور در اقتصاد جهانی و در میان تصمیم سازان عمده و شکل دهندگان به تحولات آتی جهان، نیازی است حقیقی، غیرقابل انکار و غیرقابل گریز. الزام عقلانی این حضور ناشی از رخدادهای جدید نیست؛ بلکه همان روند آشنا و معقول بهینه سازی و تکامل گرایی سیر پویای جامعه بشری است که رشد مبادلات و تعاملات سیاسی و اقتصادی فرم ظاهریش را تغییر داده و سرعتش را دوچندان نموده است (Bordo, 2012). در حوزه اقتصاد کلان داخلی، هم پیوندی مستلزم و مقارن کاهش بسیاری از کنترل های اداری، مدیریت های استصوابی و تخصیص های غیربازاری است. همگرایی تسهیلات تولیدی و فعالیت های بخش واقعی اقتصاد جهت حفظ دامنه رقابت پذیری خارجی، مینا قراردادن استانداردها و معیارهای پذیرفته شده جهانی والبتة تسهیل فعالیت بازارهای کالا و مالی از دیگر دستاوردهای این فرآیند است (Broome, 2010). رشد سریع دانش فنی، فضای جدیدی برای گسترش فعالیت دست اندر کاران تجارت خارجی، تشدید جریانات سرمایه و مالی بین مرزها، مهاجرت نخبگان و جابجایی کارگران فکری^۴ و گسترش امکان تبادل اطلاعات و مطرح شدن آن به عنوان یکی از مبانی اصلی اقتصاد، صنعت و تجارت فراهم کرده است (Broome, 2010). اینکه ایران از روند حاکم بر اقتصاد جهانی چگونه منتفع شود، یا در مقابل منافع و فرصت های خود را از دست دهد، تا حد زیادی به واقع بینی، قدرت تجزیه و تحلیل صحیح وقایع، قابلیت تاثیرگذاری بر روند آتی رویدادها و متغیرها و بالاخره اعمال مدیریت صحیح بر شرایط بستگی دارد. جریان عمومی حاکم بر جهان فرصت ها یا قابلیت های خاص کسب انتفاع یا مزیت را می آفریند و در مقابل برخی از شیوه ها یارویکردهای مورد استفاده را از حیز انتفاع و تاثیرگذاری خارج می کند (Bordo, 2012). دورماندن از صحنه شطرنج اقتصاد جهانی مشکلی را حل نمی کند؛ باید در میان بازیگران اصلی حضور داشت و در پی ریزی قواعد بازی نقش فعال ایفا نمود. بیم زیان یا احساس فقد آمادگی لازم برای مواجهه با این واقعیت، تنها زمان را از مسئولین کشور سلب می کند. در حالیکه حضور مرحله ای و تدریجی، به شناخت قواعد بازی و کسب شایستگی های لازم طی زمان کمک بسیار می کند. اگرچه در این فرآیند بخشی از قدرت انحصاری دستگاه های سیاست گذار در تنظیم قواعد رفتاری بخش های اقتصادی به سازمان های بین المللی متناظر انتقال می یابد، لیکن نباید فراموش نمود که در شرایط کنونی این شیوه تنها شرط بقاست؛ تنها در این صورت است که تهدیدها (اعم از داخلی یا خارجی) به حداقل رسیده و فرصت های جذابی در دسترس قرار خواهد گرفت. تاخیر در هم پیوندی به معنای تداوم دورماندن از قطب های رشد صنعت و تکنولوژی و در مقابل، پذیرش فقر نسبی و بیکاری بالاتر از متوسط جهانی است. در حقیقت اقتصاد ایران تنها در عرصه پولی و مالی جهان از یک سخنگوی مستقیم برخوردار است و بدین لحاظ عقلانی نیست که این تنها کرسی تاثیرگذار نیز بنا بر برخی اظهارنظرهای احساسی و استدلال های خارج از دایره تدبیر و مصلحت از دست برود. شاید اگر چارچوب کاری و نوع نقش آفرینی این نهادها برای احاد جامعه به دقت تبیین شود و نگرشی منطبق بر حقایق حاصل آید، بتوان به درجه قابلیت های خاص کسب انتفاع یا مزیت را می آفریند و در مقابل برخی از شیوه ها یا بیشتری از اتفاق آرا دست یافت. بدین لحاظ بحث بر سر این موضوع را با معرفی صندوق بین المللی پول و وجوه سه گانه کارکردی آن آغاز کرده و سپس به شناسایی ساختار مدیریت عالی آن می پردازیم (Broome, 2010).

نمودار ساختاری صندوق بین المللی پول

برای تشکیل این صندوق، کشورها متعهد به اعمال برخی سیاستهای پولی و ارزی شدند که اجرای این سیاستها نتایجی را به همراه داشت. کشورهای عضو صندوق بین المللی پول متعهد شدند که:

۱- نرخ برابری پول خود را در مقابل دلار (یا طلا) تعیین کرده و ارزش پول خود را در محدوده نوسان یک درصد حفظ نمایند. در نتیجه، جهت ثبات نرخ ارز، اجتناب از تغییر برابری پولها و ایجاد نظم در بازار ارز، دامنه نوسانات نرخ مبادله محدود شد.

^۴ واژه کارگران فکری که در این مقاله معادل *knowledge workers* به کار گرفته شده، دلالت بر ویژگی خاص نسل جدید مهاجرت نیروی انسانی دارد. بر اساس مجموعه آمار و شواهد، سهم عمده نیروی انسانی جابجا شونده در دهه های اخیر را نیروی کار تحصیل کرده و متخصص تشکیل می دهد که در حرفه خود یک مغز متفکر و نوآفرین تلقی می شوند.

۲- مبادلات طلا توسط کشورها باید در شرایط صندوق بین‌المللی پول صورت گیرد و این مبادلات توسط یک ارز واسطه‌ای (دلار بعنوان ارز شناخته شده معتبر) صورت بگیرد.

۳- بانکهای مرکزی کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول به طور غیرمستقیم عهده‌دار حفظ ارزش دلار گردیدند. زیرا کشورهای عضو در حفظ نرخ تبدیل پولها به یکدیگر متعهد شده بودند. از طرفی، کشورها متعهد گردیدند که هر مقدار دلاری که به آنها عرضه می‌شد، خریداری کنند و در مقابل، دولت آمریکا می‌توانست کسری تراز پرداخت داشته باشد و به هر میزان که بخواهد، دلار چاپ و منتشر کند.

نتیجه این موافقت نامه برای کشورهای دیگر این بود که با برقراری رابطه جدیدی میان پول خود و دلار، ارزش برابری پول خویش را تغییر دهند و به این سان پایه "سیستم نرخهای ثابت تعدیل پذیر ریخته شد. از طرف دیگر، آمریکا به علت وابستگی ارزش دلار به طلا، قادر به تغییر ارزش برابری دلار نبود اما توانست با چاپ دلارهای فراوان، موسسات اقتصادی بیشماری را در جهان خریداری کند و سلطه مالی و اقتصادی خود را بر بسیاری از کشورهای جهان تحمیل نماید (Carvalho, 2010).

اهداف صندوق بین‌المللی پول عبارتست از:

- ۱- پیشبرد همکاریهای بین‌المللی از طریق یک نهاد دائم که موظف است برای مشاوره و تشریک مساعی در امور پولی بین‌المللی تشکیلات لازمی را تامین کند.
- ۲- تسهیل، توسعه و رشد متعادل تجارت جهانی و در نتیجه مشارکت در پیشبرد و به ثمر رساندن افزایش اشتغال و درآمد واقعی و نیز مشارکت در توسعه و پیشبرد منابع تولیدی کلیه کشورهای عضو به منظور رسیدن به تعادل اقتصادی.
- ۳- بهبود ثبات تبادل ارزی به منظور ابقای ترتیبات تبادل منظم ارز میان اعضا و پیشگیری از کاهش ارزش پول ناشی از رقابت بین کشورهای عضو صندوق.
- ۴- مشارکت در ایجاد یک سیستم چند جانبه پرداختها، در رابطه با معاملات جاری میان کشورهای عضو و از میان برداشتن محدودیتهای تبادل ارز خارجی که رشد تجارت آزاد جهانی را مختل می‌کند.
- ۵- ایجاد اعتماد و اطمینان در میان کشورهای عضو از طریق در اختیار قرار دادن منابع پولی عمومی به طور موقت و تحت شرایط ضمانتی مناسب و در نتیجه، ایجاد امکان برای کشورهای عضو جهت اصلاح و تصحیح تراز پرداختها بدون توسل به اقداماتی که بعضاً موجب کندی تجارت جهانی می‌شوند و برای پیشرفتهای ملی و یا بین‌المللی مخرب هستند.
- ۶- همچنین صندوق وظیفه دارد که در موازنه پرداختهای بین‌المللی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، تعادل بوجود آورد.
- ۷- صندوق مسئول نظارت بر اجرای موثر و کارایی سیستم پولی بین‌المللی بوده و برای انجام این مسئولیت، اجرای تعهدات پذیرفته شده توسط کشورهای عضو را در مورد همکاری با صندوق و با یکدیگر جهت تضمین ترتیبات تبادل منظم ارزی و پیشبرد یک سیستم باثبات نرخ مبادله، تحت نظارت دارد. کشورهای عضو می‌توانند رژیمهای نرخ مبادله مختلفی از قبیل رژیم نرخ مبادله شناور و یا رژیم نرخ مبادله شناور اداره شده و یا ثابت شده را برگزینند ولی باید صندوق را از ترتیبات اتخاذ شده مطلع کنند (Chwioroth, 2008).

برنامه‌های سه‌گانه صندوق بین‌المللی پول

پس از جنگ دوم جهانی غالب کشورها به اجماع رسیدند که با بنیان نهادن نهادهایی، روابط مالی ناشی از مبادلات تجاری و جریانات سرمایه‌ای خود را در سطح جهان سامان بخشند و نظم نوینی بر پایه هماهنگی روابط، تعریف کنند. دو نهاد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و چند دهه بعد، سازمان جهانی تجارت دستاورد همین تلاشها برای حل و فصل اختلاف در روابط اقتصادی فی‌مابین و رویکرد عمومی به حفظ تعادل اقتصاد جهانی از طریق مشارکت در قالب یک نهاد فراملی بود. صندوق بین‌المللی پول از سال ۱۹۴۵ شروع به کار کرد و هم‌اکنون ۱۸۹ عضو دارد. کارکرد عمومی صندوق بین‌المللی پول را باید در «جلوگیری از وقوع بحران فراگیر مالی» از طریق تشویق کشورها به استفاده از سیاستهای مناسب و در صورت لزوم، تامین مالی موقت کشورهای درگیر در مسائل بخش خارجی خلاصه کرد. الزامات قانونی این نهاد شامل بسط متوازن تجارت

جهانی، ثبات نرخ‌های ارز در چارچوب مطلوب، اجتناب کشورها از تنزل مصنوعی ارزش پول داخلی به منظور حفظ دامنه رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و بالاخره، اصلاح و تنظیم تراز پرداخت‌های خارجی است. به این منظور صندوق، سه برنامه تحقیق و نظارت، مساعدت مالی و مساعدت فنی را به اجرا درآورد (IMF, 2009).

هدف اصلی از برنامه نظارت چندجانبه، کمک به حفظ سلامت اقتصاد جهانی، ارزیابی ثبات بازارهای مالی بین‌المللی و فراهم‌سازی مقدمات تهیه داده‌های معتبر بین‌المللی است. این مهم از طریق دنبال کردن آخرین تحولات عملکرد اقتصادی و مالی کشورها و تحلیل نوع سیاست‌ها، مقررات و فضای نهادی با پشتوانه تجربه بیش از ۵۰ سال فعالیت نظارتی در سه سطح کشوری، منطقه‌ای و جهانی انجام می‌شود. به این منظور تمام اعضای صندوق موظفند هر سال سطح مشخصی از داده‌های عملکرد اقتصاد خود را با هیات مشاوره ماده ۴ اساسنامه مرور کنند. بر اساس داده‌های مذکور، تحلیل پایداری متغیرهای عمده اقتصاد کلان و پیش‌بینی افق میان‌مدت و بلندمدت متغیرهای کلیدی قابل انجام است. مشاوره‌های ماده ۴ اساسنامه در سه لایه منظم و ادواری، خاص و تکمیلی، بررسی‌های قاعده‌مندی است که مقامات کشورهای عضو و کارشناسان صندوق در جنبه‌های مهم سیاستی و عملکردی یک اقتصاد انجام می‌دهند و گزارش حاصله، تحت عنوان گزارش کشوری در هیات اجرایی ارائه می‌شود. در دهه‌های اخیر نماینده ایران در صندوق یکی از ۲۴ کرسی کلیدی هیات اجرایی را در اختیار داشته و با در اختیار داشتن مسوولیت هفت کشور، حضور فعالی در فرآیندهای شکل‌دهی به تحولات نظام مالی بین‌المللی ایفا کرده است. مهم‌تر آنکه ایران توانسته جایگاه مذکور را به‌رغم تغییر نماینده خود حفظ کند. این موفقیت، مرهون شخصیت برتر نماینده معرفی شده و نیز حفظ تعاملات مثبت دفتر ایران با ارکان صندوق است. اهمیت این نکته در آن است که به لحاظ ساختاری، صندوق بین‌المللی پول در حوزه نفوذ اروپا تلقی می‌شود؛ برخلاف بانک جهانی که به‌صورت سنتی تاثیرپذیری بیشتری از آمریکا دارد (Lastra, 2011).

تکامل نقش صندوق بین‌المللی پول در اقتصاد جهانی

ایران جزو مؤسسين صندوق بین‌المللی پول بوده و همواره سعی کرده نقشی فعال در این نهاد پولی بین‌المللی داشته باشد؛ اما نهادی که هم اکنون با عنوان صندوق بین‌المللی پول شناخته می‌شود، هدفی غیر از آنچه ابتدا برایش تعیین شده بود، دنبال می‌کند. در این مقاله توضیح داده می‌شود که به واسطه تغییرات در اقتصاد جهانی، صندوق از یک نهاد پولی بین‌المللی به یک نهاد مالی بین‌المللی تبدیل شده است که حوزه فعالیت گسترده تری دارد (Sanjay, 2002). در ابتدا، صندوق تنها وظیفه تضمین ثبات در نظام نرخ ارز ثابت را بر عهده داشت؛ اما هم اکنون و با توجه به تجربه نیم قرن آن، صندوق وظایف دیگری از جمله تضمین ثبات در نظام بین‌المللی پرداخت‌ها و ثبات در بازارهای مالی را نیز برعهده دارد. صندوق بین‌المللی پول نهادی بین‌المللی است که با هدف ارائه مدیریت و نظارت بر نظام مالی و پولی بین‌المللی در کنفرانس برتون وودز (۱۹۴۴)، تأسیس شد. در ابتدا تنها ۵۴ کشور عضویت آن را پذیرفتند، ولی هم اکنون ۱۸۹ کشور عضو این نهاد هست بر اساس نخستین اساسنامه صندوق، که در سال ۱۹۴۴ تنظیم شد، بهبود همکاری پولی بین‌المللی، فراهم کردن امکان رشد تجارت جهانی، بهبود ثبات نرخ ارز و کمک به ایجاد نظام چندجانبه پرداخت‌ها از وظایف صندوق اعلام شد. انگیزه ایجاد صندوق به مشکلاتی باز می‌گردد که در جریان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ به وجود آمد. رکود بزرگ به واسطه بی‌ثباتی در جریان‌های سرمایه کوتاه مدت ایجاد و باعث فروپاشی بازارهای سرمایه شد. در نتیجه کشورها از تأمین مالی کسری تراز پرداخت‌های خود در زمان رکود عاجز شدند و به سیاست‌های دیگری همچون کاهش ارزش پول ملی و حمایت از صنایع خود روی آوردند. بنابراین، نظام پولی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم که حول صندوق شکل گرفت، نتیجه این اعتقاد عمومی بود که باید از تکرار شدن ملی‌گرایی اقتصادی و سیاسی - مانند آنچه در سال‌های ۱۹۳۰ اتفاق افتاد - جلوگیری شود. پیش‌نویس اساسنامه صندوق که در برتون وودز^۵ (۱۹۴۴) ارائه شد، ترکیبی از برنامه‌های ایالات متحده آمریکا و انگلستان بود. ایالات متحده آمریکا به دنبال برپایی نظام پرداخت چندجانبه بود که بر اساس تبدیل‌پذیری ارزها عمل کند و انگلستان به دنبال رهایی از محدودیت‌های خارجی بود تا بتواند سیاست اشتغال کامل را دنبال کند در پایان، طرح ایالات متحده آمریکا

⁵ Bretton Woods

غالب شد، که در آن سیستم نرخ ارز ثابت (قابل تغییر) بر اساس لنگر اسمی طلا با دلار ایالات متحده شکل گرفت. در این نظام جدید، که به پایه طلا - ارز مشهور است، کشورهای جهان پول ملی شان را به دلار ایالات متحده قفل کردند و ایالات متحده آمریکا نیز ارزش دلار را نسبت به قیمت طلا ثابت نگه می داشت. صندوق در دوره رژیم برتون وودز بیشتر در قالب مجموعه ای از قواعد (اساسنامه صندوق) شکل گرفت. در این نظام، صندوق با اعطای وام به اعضای که با مشکل تراز پرداخت ها مواجه می شدند، کمک می کرد. هدف اولیه صندوق برخورد با رقابت در کاهش ارزش پول های ملی، ارائه کمک های مالی کوتاه مدت برای رفع عدم تعادل های موقت در تراز پرداخت ها و تشکیل نهاد اقتصادی بین المللی مانند سازمان ملل بود. کارکرد صندوق در این نظام، مدیریت نظام پرداخت ها میان کشورها بود تا تضمین شود انباشت عدم تعادل در حساب جاری یک کشور تهدیدی برای نظام نرخ ارز ثابت ایجاد نکند. صندوق بین المللی پول در شرایط اقتصادی خاص پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد، ولی این موضوع باعث نشد تا با تغییر این شرایط کارکرد صندوق محدود شود. به عکس در هر دوره صندوق فعالیت های خود را با محیط اقتصادی جهانی منطبق کرده و حوزه های جدید و گسترده تری را برای اثرگذاری باز کرده است. البته فعالیت های صندوق فراز و فرودهای بسیاری داشته است. به گونه ای که در دوره های باثبات حتی موجودیت این نهاد با تردید مواجه شده، اما با بروز بحران در گوشه ای از جهان این نهاد توانسته است موقعیت خود را قوی تر از گذشته احیا کند. چالش هایی که نظام پولی بین المللی با آن مواجه شده، بسیار متفاوت از چالش هایی است که صندوق به واسطه آن تشکیل شد. نخستین چالشی که موجب تغییر ماهیت صندوق شد، حرکت از نرخ های ارز ثابت به نرخ های ارز شناور بود. در نتیجه این تغییرات، نقش نظارتی صندوق تقویت شد. با بروز بحران های مالی صندوق به عنوان یک نهاد پولی بین المللی که برای ثبات نرخ ارز و تبدیل پذیری آنها تأسیس شده بود، جای خود را به نهادی مالی بین المللی داد که مسئولیت های بیشتری دارد و نه تنها مباحث پولی بلکه مباحث مالی^۵ مانند مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای سرمایه و بانک ها و اصلاحات مالی را نیز پوشش می دهد. بحران مالی سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ میلادی نیاز به یک نهاد مالی جهانی را به روشنی نشان می دهد. هم اکنون صندوق تنها یک نهاد پولی بین المللی نیست، بلکه صندوق در مرکز نظام مالی جهانی قرار دارد. بدین صورت نقش صندوق از درمان کننده بحران ها به نهادی برای پیش گیری از بروز بحران تغییر کرده است. افزایش نقش صندوق در بازارهای مالی، این الزام را برای بانک ها و مؤسسات دیگر مالی به وجود می آورد تا به طور دقیق تر عملکرد این نهاد را مطالعه کرده و همکاری خود را با آن بهبود بخشند (Lazonick, 2008).

چارچوب مدیریتی صندوق بین المللی پول

در راس صندوق بین المللی پول هیات مدیره آن مرکب از مدیر عامل و تعدادی مدیر ۲۴ نفر قرار دارند و عهده دار اصلی اداره امور این نهاد بین المللی هستند. مدیر عامل، ریاست هیات مدیره را نیز به عهده دارد. بر اساس اساسنامه، پنج کشور عضو دارای بالاترین سهمیه در صندوق، پنج مدیر و دو کشور نیز که در طول دو سال گذشته بزرگترین اعتبار دهنده به صندوق بوده اند هر کدام می توانند یک مدیر منصوب نمایند. ۱۵ مدیر نیز توسط سایر کشورها که در ۱۵ گروه مختلف تشکیل یافته اند، انتخاب می گردند. برای تشکیل گروهها ضابطه مدون و خاصی ذکر نگردیده لیکن عواملی نظیر تجانس جغرافیایی، ملاحظات سیاسی و اقتصادی، ملیت و زبان دخیل بوده است. در حال حاضر یکی از مهمترین عوامل در حفظ وضعیت و ثبات ساختار گروهها، مسئله چگونگی تقسیم شغل ها، وظایف و مسئولیتها بین گروههاست؛ زیرا پس از تشکیل تعدادی از کشورها در قالب یک گروه و تقسیم کار، مسئولیت ها و سمت ها، مناسبات بین اعضاء گروه در صندوق تنظیم شده و کمتر کشوری تمایل به هم خوردن تعادلی که محصول تلاش های پیگیر سیاسی و دیپلماتیک است، از خود نشان می دهد. به همین دلیل و به رغم وجود تضادهای عمیق سیاسی و اقتصادی در مناسبات اعضاء، غالب گروه بندی ها در صندوق از ثبات و استحکام بالنسبه طولانی برخوردار بوده است. در حال حاضر نماینده ایران در صندوق، ریاست گروه ایران (متشکل از کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان، الجزایر، غنا، مراکش و تونس) را برای سالیان متمادی به عهده دارد؛ درحقیقت عنوان مدیریت گروه از سپتامبر ۱۹۷۲ تاکنون در اختیار ایران بوده است. این گروه در سال ۲۰۰۳ با در اختیار داشتن ۵۳۲۴۷ حق رای (معادل ۲/۴۵).

۱- یکی از گروههای فعال SDR ۵۱۴۹ میلیون سهم / درصد از کل آرای صندوق) و ۷ صندوق بین المللی پول بوده است.

۲- مهمترین کمیته (IMFC) به لحاظ دستاوردهای فنی، کمیته پولی و مالی صندوق بین المللی پول است. این کمیته با ۲۴ عضو، از سال ۱۹۹۹ جایگزین کمیته موقت صندوق در حوزه نظام پولی بین المللی شده و مسئولیت گزارش دهی و بازوی مشاوره ای هیئت نمایندگان را بر عهده دارد. موضوعات مورد توجه این کمیته رازمینه های نظارت مدیریتی و انطباق نظام پولی و مالی بین المللی از طریق بررسی تحولات نقدینگی جهانی و انتقال منابع به کشورهای در حال توسعه، بررسی و اصلاح مواد اساسنامه و پیشنهاد مکانیزم های پیش بینی و کنترل اختلالات عمده تهدیدکننده سلامت نظام پولی بین المللی تشکیل می دهد. آقای گوردون براون رئیس خزانه داری بریتانیا هم اکنون ریاست این کمیته را برعهده دارد. از دیگر کمیته های مشترک می توان به گروه پنج، گروه هفت، گروه هشت، گروه پانزده، گروه بیست، گروه هفتاد و هفت و کلوپهای پاریس و لندن اشاره کرد (Lazonick, 2008).

۳-۲ وظایف، کارکردها و چالش های پیش روی صندوق بین المللی

با عنایت به نقش صندوق در حفظ سلامت نظام مالی بین المللی و تلاش در تعدیل و بهبود این نظام، ایران همواره سعی نموده ضمن رعایت مصالح و اصول داخلی خود، فرآیند تولید داده های آماری را منطبق بر استانداردهای طراحی شده توسط این نهاد معتبر بین المللی پیش ببرد. با آن که قریب به ۶۰ درصد سهام صندوق بین المللی پول (و به تبع آن اکثریت آرا) در اختیار کشورهای صنعتی است، لیکن این اعتقاد وجود دارد که عضویت فعال و سازنده کشورهای در حال توسعه در این سازمان اقتصادی بسیار مهم جهان می تواند تا حد زیادی بر تصمیمات و رفتارهای اقتصاد جهانی تاثیر گذارد و از طریق مشارکت فعالانه و سازنده در این سازمان، کشورهای در حال توسعه نه تنها در معرض آخرین اطلاعات اقتصادی و تصمیم گیری های مهم پولی و مالی جهان قرار می گیرند، بلکه با هماهنگ کردن مواضع و استفاده از قدرت آرای خود تصمیمات را حتی المقدور در جهت تامین نیازها و منافع خود سوق می دهند. اگرچه برخی از کشورهای در حال توسعه متقاضی اصلی اخذ وام و استفاده از امکانات مالی صندوق هستند، و لذا ملزم به رعایت سیاست های صندوق نیز می باشند؛ لیکن پیش از آن که صندوق یک سازمان وام دهنده باشد، کانون مهم تصمیمات و سیاست های اقتصادی بین المللی است که حضور فعال در آن برای کشورهایی که بخواهند از تحولات مالی بین المللی بی اطلاع نمانند و در جریان تصمیم گیری ها مشارکت سازنده داشته باشند، حیاتی است. از جمله خواسته های بسیار مهم کشورهای در حال توسعه، در اختیار داشتن فرصت های بحث و تبادل نظر در مورد مسائل اقتصادی و برنامه های اصلاحات اقتصادی با کارشناسان صندوق است. این مسئله تا حد زیادی هم به صندوق و هم به خود کشور در اتخاذ سیاست های مناسب و کم هزینه اقتصادی کمک می نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران به خوبی آگاه است که برخورد انفعالی با موسسات بین المللی نتیجه مثبتی نخواهد شد. در حالی که فعال بودن در این موسسات و پیروی از سیاست برخورد آگاهانه با مسائل بین المللی و بهره برداری مناسب از آنها می تواند در میان مدت زمینه های لازم برای توسعه اقتصادی را بهتر فراهم سازد. بر همین اساس بانک مرکزی همه ساله پذیرای چندین هیئت تخصصی از زبده ترین کارشناسان صندوق بوده (حداقل ۳۰ هیات از سال ۱۹۹۹) و در مقابل، بخشی از کارکنان بانک که در حوزه های خاص فعالیت می کنند، توسط این نهاد بین المللی آموزش می بینند. نگاهی به گزارش های تهیه شده توسط هیات های صندوق که معمولاً پس از موافقت مقامات کشور در سایت رسمی این نهاد انتشار می یابد، همگی موید آن است که صندوق برخی توصیه های سیاستی کلی و عمومی را به دست اندرکاران ارشد اقتصاد کشور ارایه کرده که پیش از آن جزو دانسته های مقامات و کارشناسان اقتصادی قرار داشته است. مهمترین نکات مورد توجه صندوق در سال های اخیر را می توان در تشخیص و تعیین مصادیق نقض نظام تک نرخی ارز به منظور حفظ کارکردهای این استراتژی، فشار تقاضای کل بالا بر نرخ تورم و لزوم کنترل آن با ابزارهای موثر، شکاف بودجه و چگونگی تامین مالی آن، وابستگی اقتصاد ایران به نفت و به تبع آن حساسیت متغیرهای عمده و پیشرو نسبت به تحولات بازار جهانی حامل های انرژی، روند رو به تنزل مازاد حساب جاری تراز پرداختها و مخاطرات آن نام برد. علاوه بر آن محور مشترک تمامی گزارش های کارشناسان صندوق درباره تحولات میان مدت اقتصاد ایران را لزوم اصلاح یارانه های انرژی و هدفمند نمودن شیوه توزیع یارانه ها، پی ریزی نظام مالیات بر ارزش افزوده، اصلاح بازار کار به نحوی که ظرفیت ایجاد فرصت های شغلی بالاتری پدید آید و مسائل ساختاری دیگر تشکیل می دهد. سیاست گذاران اقتصاد کلان کشور برنامه های توسعه و اصلاح ساختاری خود را حسب ویژگی ها و خصوصیات بومی

اقتصاد ایران تنظیم می کنند و در این زمینه، جز واقعیت های بیرونی و روند عمومی اقتصاد جهانی دچار هیچ فشاری نیستند. حداقل تا زمانی که ایران به دلیلی به جرگه دریافت کنندگان اعتبار نپیوندد، توصیه های صندوق در حد یک راهکار اختیاری برای اقتصاد ایران باقی خواهد ماند و هیچگونه تحمیلی در میان نخواهد بود (Sanjay, 2002).

اعطای تسهیلات

بخش عمده مساعدت های مالی صندوق را برنامه های اعطای وام به کشورهای دچار عدم توازن تراز پرداخت ها تشکیل می دهد (Chweiroth, 2002). البته کمک های صندوق محدود به تامین مالی موقت جهت خروج از بحران نمی شود، بلکه حمایت از سیاست های تعدیلی و اصلاحی جهت مقابله با علت اصلی را نیز در بر می گیرد. مثلا در خلال بحران ۱۹۹۸-۱۹۹۷ جنوب شرق آسیا صندوق طی مدت کوتاهی حدود ۲۱ میلیارد دلار به کره جنوبی پرداخت کرد تا ذخایر خود را تقویت نماید، بخش مالی و شرکت های خود را تجدید ساختار کرده و از رکود خارج شود. طی چهار سال اقتصاد کره به میزانی بهبود یافت که علاوه بر تامین ذخایر مورد نیاز، شروع به بازپرداخت تعهدات خود نیز نمود. برای آن که یک کشور واجد دریافت وام از صندوق باشد، لازم است ارزیابی های صندوق نشان دهد کشور به لحاظ شرایط اقتصادی در وضعیت بحرانی یا نزدیک بحران است؛ پول ملی در معرض حملات سفته بازان بین المللی قرار دارد؛ ذخایرش تهی شده و اقتصاد در وضعیت رکودی یا سقوط است. برنامه بازگشت این اقتصاد به شرایط عادی و رشد پایدار اقتصادی معمولا ترکیبی از سیاست های تعدیلی و کمک های مالی خصوصی دولتی است. معمولا صندوق و مقامات کشور دچار بحران، روی برنامه تعدیلات اقتصادی مشتمل بر اهداف کمی خاص برای بقای بخش خارجی، ثبات پولی و مالی و رشد پایدار اقتصادی به توافق می رسند. علیرغم مشروط بودن اعطای کمک مالی به انجام این برنامه، پرداخت های صندوق تا حدی انعطاف پذیر است؛ به نحوی که چنانچه به هردلیلی شرایط کشور یا وضعیت اقتصاد جهانی تغییر کند کل برنامه قابل بازبینی و ارزیابی مجدد باشد. صندوق طیفی از وام ها یا تسهیلات را براساس نیاز عضو متقاضی ارایه می کند (۹). طول دوره، شرایط بازپرداخت و شرایط وام دهی متغیر بوده و حسب عامل اصلی دخیل در بحران و شرایط ترازپرداخت های کشور مورد بررسی تعیین می شود. هم اکنون تنها متقاضیان استفاده از تسهیلات صندوق را کشورهای درحال توسعه، اقتصادهای نوظهور دچار بحران و یا اقتصادهای درحال گذر تشکیل می دهند. غالب این کشورها به دلیل مشکلات داخلی خود دسترسی محدودی به بازارهای بین المللی سرمایه و پول دارند و لذا استفاده از منابع صندوق برای این دسته از کشورها اولویت خاصی دارد. یکی از مهمترین نکات مورد چالش در خصوص استفاده از وام های صندوق، مشروط بودن آنهاست، کشور متقاضی باید سیاست های اقتصادی خود را به نحوی تعدیل و انطباق دهد که ساختار تراز پرداخت هایش طی زمان اصلاح شده و این برنامه اصلاحی باید مورد توافق صندوق نیز باشد. مشروط بودن اعطای وام در جهت اخذ تضمین از کشور بدهکار مبنی بر عدم تعویق انتخاب های سیاستی دشوار یا تجمیع بدهی های خارجی است (IMF, 2009). در مقابل تسهیلات مذکور، کشور مورد نظر می باید با تعمیق اصلاحات اقتصادی و بهبود عملکرد، قدرت بازپرداخت تعهدات خود را باز یابد. به هر حال پیش از هر نوع پرداختی مقامات کشور متقاضی و صندوق می باید بر اقدامات سیاستی مورد نظر به توافق برسند. پس از آن، پرداخت وجوه در چند مرحله و متناسب با زمان بندی تعهدات سیاستی پذیرفته شده صورت می گیرد. در جهت این انتقاد، صندوق در سال های ۲۰۰۰-۱ با هدف ساده و موثر سازی شرایط، اقدام به بازنگری در فرآیند اعطای تسهیلات خود نمود. هم اکنون شروط مطرح شده تمرکز بیشتری بر سیاست های اقتصاد کلان و بخش مالی دارد، میان انتخابهای سیاستی پیش روی کشور کمتر اجبار به گزینه خاصی مطرح می شود، حق حاکمیت کشور بر برنامه های سیاستی خود بیشتر رعایت شده و لذا مجموعه برنامه اصلاحات و منابع تخصیص داده شده در کل موثرتر است. مشخصه دیگر تسهیلات اعطایی صندوق، موقت بودن آنهاست. بنا به ماهیت وام، پرداخت آن بین ۶ ماه تا ۴ سال به طول می انجامد و دوره بازپرداخت نیز بین ۲ تا ۴ سال برای تسهیلات کوتاه مدت، ۴ تا ۷ سال برای نوع میان مدت و ۱۰ سال برای تسهیلات رشد و کاهش فقر است که البته بازپرداخت وام مذکور پس از یک دوره ۵/۵ تنفس آغاز می شود. نرخ بهره وام ها براساس شرایط بازار تعیین شده و به منظور کنترل تقاضا یا برای متقاضیان تسهیلات تکمیل ذخایر، ممکن است هزینه بهره اضافی نیز به دریافت کنندگان وام های سنگین یا خاص حسب مورد تحمیل شود. اما تسهیلات رشد و کاهش فقر مشمول نرخ بهره ثابت ۵/۰ درصد در سال هستند (Lastra, 2011).

نحوه رأی گیری صندوق برای اعطای تسهیلات

هرکشور عضو صندوق با عضویتش ۲۵۰ رأی ثابت دارد و به ازای هر یکصد هزار حق برداشت مخصوص سهمیه یک رأی به رأی هایش اضافه می شود. بنابراین میزان سهمیه تعیین کننده میزان آراء یک عضو در تصمیم گیری ها می باشد و آمریکا با بیشترین سهمیه بیشترین میزان آراء را داراست. بیشتر تصمیم گیری ها با ۷۰ آراء به تصویب می رسد و در موارد ساختاری، این درصد به ۸۵ افزایش می یابد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه ریاست گروه کشورهای الجزایر، افغانستان، پاکستان، مراکش، تونس و غنا را از سال ۱۹۷۲ به عهده دارد یک عضو هیئت مدیره در صندوق دارد. رأی گیری نه براساس آرای برابر کشورهای عضو، بلکه براساس رأی- سهم یعنی آرای مبتنی بر سرمایه گذاری هرکشور در صندوق انجام می گیرد که در حال حاضر ۸۷/۰۱۷/۰ این آرا به ایالات متحده آمریکا و ۶۶/۰۲۲/۰ آنها متعلق به حوزه یورو است. بنابراین هر یک از این دو عملا حق وتو دارند. از این گذشته بنابراین عرف رایج مدیر عامل صندوق یک اروپایی و مدیرعامل بانک جهانی یک امریکایی است. در حال حاضر آقای هوست کهلر در مقام نخست و جیمز ولفنسهن در مقام دوم قرار دارند (Sanjay, 2002).

عوامل تعیین کننده اقتصادی و سیاسی وام دهی صندوق بین المللی پول در ایران

رشد جهانی اقتصاد به صورت میانه و با جنبه های نامساعد و نامساوی در مناطق و کشورهای اصلی باقی مانده است. در گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی سال ۲۰۱۵ صندوق بین المللی پول این رشد ۳٫۵ درصد پیش بینی شده که به نسبت سال گذشته چشم انداز کشورهای پیشرفته بهبود داشته، در حالی که رشد در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه کم تر بوده که نشان دهنده چشم انداز ضعیف برای بازار های بزرگ نوظهور و صادرکنندگان نفت است. در اغلب کشورهای توسعه یافته موضوع کلیدی، تلاش برای توسعه حد و مرزهای سیاست های تجاری جدید، بازکردن بازارهای خدماتی و ایجاد سیستم های قانونی منسجم تر می باشد به عنوان مثال هماهنگی بهتر در تنظیم مقررات داخلی از طریق گفتگو با قانون گذاران، به رسمیت شناختن طرفین و در برخی موارد هماهنگ سازی. این امر منافع بالقوه ای برای آنها به همراه دارد در صورتی که عدم یکپارچگی و انسجام به حداقل کاهش یابد. تعداد زیادی از اقتصادهای در حال ظهور، به عنوان مثال در آسیای جنوبی و امریکای لاتین کماکان می توانند از یکپارچگی از طریق آزادسازی سنتی، استفاده از لنگر اتصال به زنجیره ارزش جهانی، حذف سیاست های جایگزینی واردات (سیاست های جایگزینی واردات در گذشته با شکست مواجه شده است و اجتناب از اعمال سیاست های حمایتی و استفاده از محدودیت های غیرتعرفه ای، منتفع شوند. آزادسازی تجاری منافع حاصل از اعمال اصلاحات ساختاری را تکمیل و تقویت می کند و از تقویت چارچوب های سیاستی و نهادی حمایت می کند (Lazonick, 2008). کشورهای کم درآمد به تجارت و یکپارچگی برای پیوستن به زنجیره ارزش جهانی به عنوان حلقه مرکزی استراتژی رشد و توسعه شان نیاز دارند. آنها می توانند انواع روش های حمایتی را که مانع از ایجاد اشتغال و رشد صادرات می شود حذف کنند. برای این کشورها پرداختن به موانع تجاری قدیمی از قبیل ارتقاء زیرساخت های تجاری و بهبود نهادهای اقتصادی هنوز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اقتصادهای مذکور ممکن است به همکاری فنی نیاز داشته باشند از قبیل این که چگونه با محیط کمتر حمایتی، سازگار شوند (به عنوان مثال کارکردهای مالی تعرفه های کمتر)؛ توالی، سرعت و هماهنگی اصلاحات چگونه باشند؛ و در چه شرایطی از بهبود دسترسی به بازارهای اقتصادهای پیشرفته، بهره برداری کنند. نقطه ضعف دیگر صندوق این است که برنامه های تثبیت و تعدیل صندوق تنها جنبه های اقتصادی ملموس را در نظر می گیرد در حالی که نگرش یک بعدی در مسایل انسانی و اجتماعی پیامدهای نامطلوبی دارد. هیچ پدیده اجتماعی نیست که یک بعدی باشد موضوعات اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست بویژه آنکه آزمایشگاه موضوعات اقتصادی، جامعه و انسان است. در این صورت چگونه می توان تنها به جنبه های خشک اقتصادی استناد نموده و از جنبه های اجتماعی و انسانی و اخلاقی غافل ماند. بنابراین دستیابی به موازنه در پرداخت های خارجی، رشد اقتصادی و اشتغال کامل تنها در صورتی مطلوب است که انسان و جامعه در زیر چرخ های تعدیل یا تثبیت له نشود. از دیگر انتقادات وارده بر صندوق، سوق دادن اقتصاد جهانی بسوی اقتصاد آزاد سرمایه داری است. دهه ۱۹۸۰ به دهه آزادسازی و خصوصی معروف شده است در همین دهه بود که اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشید و با روی آوردن به اقتصاد آزاد، موج تازه ای در جهان ایجاد کرد. مطالعه تاریخچه سازمان های پولی و مالی نشان می دهد که آمریکا و سایر ابرقدرت ها با تشکیل این سازمان ها، زمینه های تحقق نظام اقتصاد آزاد را فراهم

نموده به طوری که در طی این مدت شاهد غلبه بینش آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۹۸۰، فروپاشی شوروی و خصوصی سازی گسترده همراه با حرکت به سوی تجارت آزاد در جهان هستیم. از دیگر نقاط ضعف برنامه‌های صندوق آن است که حتی در موارد به ظاهر موفق برای اقتصاد کشورهای اجرا کننده آن برنامه‌ها معضلات جدیدی مانند تورم، بیکاری، نوسانات شدید نرخ ارز، بی‌ثباتی، کاهش پی در پی ارزش پول ملی، گسترش فقر و بدتر شدن وضعیت توزیع درآمدها، نابسامانی وضعیت تجاری، افزایش هزینه‌های دولتی پس از پایان تعدیل اقتصادی بوجود آمده است. این پدیده حاکی از محدود بودن دیدگاه صندوق در ارایه راه‌حل‌های خود بوده است. یکی از توصیه‌های صندوق در زمینه تهدید اعتبارات داخلی، مثبت نمودن نرخ واقعی بهره از طریق افزایش نرخ بهره اسمی تا سطح بالاتر از تورم است یکی از مشکلاتی که این توصیه صندوق به بار آورده، آن است که با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری کاهش یافته و به تبع آن رکود اقتصادی دامنگیر جامعه می‌شود در این مورد نیز صندوق سکوت اختیار کرده و راه حلی ارائه نمی‌کند (Sanjay, 2002).

نتیجه‌گیری

هم اکنون ایالات متحده آمریکا و کشورهای صنعتی اروپایی دارای بیشترین سهمیه و در نتیجه بیشترین حق رای هستند و به راحتی می‌توانند تصمیمی را وتو نمایند. با توجه به گذشت بیش از نیم قرن فعالیت صندوق بین‌المللی پول در صحنه اقتصاد جهانی، اقتصاد جهان بر اساس اصول این سازمان بسوی اقتصاد آزاد سوق یافته است. سیاست‌های پیشنهادی صندوق از نوع سیاست‌های انقباضی پولی و مالی (نظیر کاهش سقف اعتبارات، کاهش مخارج دولت، حذف یارانه‌ها و ...) و یا در قالب رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت خارجی، کنترل سطح دستمزدها و کاهش ارزش پول ملی است. این سیاست‌ها سبب کاهش تقاضا و نتیجتاً کاهش اشتغال و کندی رشد اقتصادی می‌شود که این مغایر با اهداف صندوق می‌باشد همچنین حذف یارانه‌ها موجب افزایش قیمت مواد غذایی شده و یا تثبیت نرخ دستمزدها در شرایط تورمی سبب کاهش درآمد واقعی حقوق‌بگیران می‌شود. بنابراین طبقات پائین و متوسط جامعه صدمه دیده و فقیرتر می‌شوند. فقدان برنامه جامع حمایتی یکی از نقاط ضعف مهم برنامه‌های تثبیت و تعدیل صندوق بوده و در نتیجه این سیاست‌ها بجای از بین بردن فقر، فقرا را از بین برده است. همچنین سیاست‌های تثبیت و تعدیل صندوق جنبه‌های غیر اقتصادی مشکلات کشورهای در حال توسعه از قبیل مشکلات اجتماعی و ابعاد انسانی- اخلاقی را نادیده می‌گیرد. صندوق با آزادسازی اقتصاد جهان، در واقع سد کشورهای کوچک را شکسته و راه را برای استثمار آنها به دست کشورهای بزرگ باز می‌کند. در هر صورت باید قبول کنیم که در اقتصاد جهانی شده، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین شرکت‌های چندملیتی حاکمیت دولت‌ها را تهدید می‌کند. بحران جنوبی شرقی آسیا نشان داد که دولت‌ها قادر به حفظ ثبات و ارزش پول خود نیستند. توزیع حق برداشت بایستی بر اساس نیاز واقعی کشورها انجام گیرد نه بر اساس سهمیه. همچنین توزیع SDR باید بر اساس نیاز عمرانی کشورها و نه قدرت و بنیه اقتصادی آنها صورت گیرد تا کشورهای نیازمند بتوانند احتیاجات ارزی خود را که ناشی از برنامه‌های توسعه و عمران آنها است پوشش دهند. همین‌طور در خصوص سایر برنامه‌ها و سیاست‌های تعدیل، بایستی سیاست‌ها و طرح‌هایی که واقعا پاسخگوی نیاز کشورهای فقیر است، جایگزین برنامه‌های تعدیل صندوق قرار گیرد. اعتقاد به معجزه سازمان‌های بین‌المللی در اصلاح و بهبود اقتصاد کشورهای در حال توسعه توهمی بیش نیست و کشورهای در حال توسعه بایستی اول متکی به توانایی‌ها و عزم اراده خود باشند و با اجرای برنامه‌های مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پایداری در اجرای آن و تحمل مشکلات ناشی از آن اقتصاد خود را رو به راه نمایند. در این میان نقش سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی می‌تواند نقش فرعی در جهت کمک به کوشش ملی این کشورها باشد نه جایگزین شدن به جای آن.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی نژاد، م (۱۳۸۶). سازمان‌های مالی و پولی بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت.
۲. بوستانی، ر (۱۳۹۱). بررسی بحران بدهی اروپا و آثار آن بر اقتصاد ایران. معاونت اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۳. گلریز، ح (۱۳۷۲). سازمان های پولی و مالی بین المللی. چاپ دوم، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۴. بوستانی، ر، جبل عاملی، پ (۱۳۹۴) تکامل نقش صندوق بین المللی پول در اقتصاد جهانی. فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، بهار ۱۳۹۴، صفحات ۱۱۶-۱۳۲.
5. Bordo, M. and James, H. (2000). The International Monetary Fund: It s Present Role in Historical Perspective. NBER Working Papers 7724.
6. Bordo, M. and James. H. (2012). The Past and Future of IMF Reform: a Proposal. The New International Monetary System: essays in honor of Alexander Swoboda. London, pp. 9-28.
7. Broome, A. (2010). The International Monetary Fund, Crisis Management and the Credit Crunch. Australian Journal of International Affairs. Vol. 64, No. 1, pp. 37-54.
8. Carvalho, F. J. (2000). The Changing Role and Strategies of the IMF and the Perspective for the Emerging Countries. Brazilian Journal of Political Economy. Vol. 20, No. 1, pp. 3-17.
9. Chwieroth, J. M. (2008). Normative Change from within: the International Monetary Fund s Approach to Capital Account Liberalization. International Studies Quarterly. Vol. 52, No. 1, pp. 129-58.
10. IMF .(2009). Iceland: Stand-by Arrangement interim review under the Emergency Financing Mechanism. IMF Country Report No. 09/52. www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2009/cr0952.pdf.
11. Lastra, Rosa M. (2011). The Role of the IMF as a Global Financial Authority.
12. European Yearbook of International Economic Law.Reddy, Sanjay G. (2002). The International Monetary Fund. in the
13. International Encyclopedia of Business and Management. Handbook of Economics. Ed. W. Lazonick, pp. 3343-3348.